



اعتبار و حجیت سنت در گرو عصمت پیامبر(ص) است

دیدگاه گروهی درباره رابطه میان کتاب و سنت این است که سنت در عرض قرآن است و اعتبار و حجیت سنت در گرو قرآن نیست، بلکه در گرو عصمت پیامبر(ص) است و چنان که قرآن بر قلب پیامبر معصوم نازل شده، حدیث هم بر قلب پیامبر معصوم الهام شده است؛ بنابراین حجیت سنت می‌تواند مستقل از قرآن باشد.

دیدگاه گروهی درباره رابطه میان کتاب و سنت این است که سنت در عرض قرآن است و اعتبار و حجیت سنت در گرو قرآن نیست، بلکه در گرو عصمت پیامبر(ص) است و چنان که قرآن بر قلب پیامبر معصوم نازل شده، حدیث هم بر قلب پیامبر معصوم الهام شده است؛ بنابراین حجیت سنت می‌تواند مستقل از قرآن باشد.

حجت الاسلام والمسلمین علی شاه‌علیزاده، پژوهشگر مؤسسه دارالحديث و صاحب پایان‌نامه برتر حوزوی با عنوان «#171؛ ضرورت‌ها و آسیب‌های تفسیر مأثور»، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) ضمن بیان دیدگاه قرآنیون و اخباریون و رویکرد میانه در خصوص رابطه میان کتاب و سنت، به بررسی ادله و شواهد دو نگاه در رویکرد میانه پرداخت.

وی خاطرنشان کرد: دیدگاه نخست از رویکرد میانه که سنت را در طول قرآن می‌داند، معتقد است که اعتبار سنت از قرآن است و آیاتی نظیر «#171؛... وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ آنچه را فرستاده [او] به شما داد آن را بگیرید و از آنچه شما را بازداشت بازایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت‌کیفر است» (حشر/7) می‌خواهد به ما بگوید که هر چه رسول به شما گفت، بگیرید و هر چه را از شما نهی کرد، شما هم فروبگذارید و این گروه با استناد به این آیه شریفه، اعتبار کلام رسول را به اثبات می‌رسانند.

حجت الاسلام شاه‌علیزاده همچنین در اشاره به دیدگاه دوم از رویکرد میانه اظهار کرد: این گروه معتقدند که سنت نه در طول قرآن، بلکه در عرض آن است و اعتبار و حجیت سنت در گرو قرآن نیست، بلکه اعتبار و حجیت سنت در گرو عصمت پیامبر است و چنان که قرآن بر قلب پیامبر معصوم نازل شده است، حدیث هم بر قلب پیامبر معصوم الهام شده است و بنابراین حجیت و اعتبار حدیث و سنت در گرو عصمت پیامبر است و می‌تواند مستقل از قرآن باشد.

وی ادامه داد: این گروه می‌گویند که سنت از جهت معارف هم مستقل از قرآن است و این‌طور نیست که همه آموزه‌های سنت برگرفته از آموزه‌های قرآن باشد؛ آنها معتقدند که آیاتی نظیر «#171؛... وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا...؛ آنچه را فرستاده [او] به شما داد آن را بگیرید و از آنچه شما را بازداشت بازایستید» (حشر/7) و «#171؛ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ...؛ هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر آن‌که به توفیق الهی از او اطاعت کنند» (نساء/64) که از سوی گروه اول به عنوان دلیل و حجت سنت در ذیل حجیت قرآن مطرح می‌شود، در واقع نشان‌گر آن هستند که در کلام رسول‌الله(ص)، مطالب و آموزه‌هایی وجود دارد که در قرآن نیست و شما باید این آموزه‌ها را بگیرید و از رسول‌الله(ص) پیروی کنید.

این پژوهشگر مؤسسه دارالحديث با بیان این‌که اگر این‌طور بود که سنت تمام آموزه‌های خود را از قرآن گرفته بود، دیگر اطاعت از قرآن کافی بود و عبارت «#171؛ أَطِيعُوا اللَّهَ» کافی بود، افزود: در این صورت جایگاهی نداشت که علاوه بر توجه به قرآن، از سخنان پیامبر تبعیت شود، زیرا اگر حجیت سخنان پیامبر در گرو حجیت قرآن باشد، مطلب جدیدی در سخنان او وجود نخواهد داشت و اطاعت از قرآن، اطاعت از سنت را در دل خود داشت و تأکید بر پیروی از رسول و اولی‌الأمر بی‌وجه تلقی خواهد شد؛ بر این اساس، سنت هم از نظر اعتبار و هم از نظر معارف در گرو قرآن نیست.

وی خاطرنشان کرد: این گروه معتقدند که دلایل روایی مبنی بر عرضه احادیث به قرآن برای کشف صحت آن، از سوی گروه اول ناقص مطرح شده است، زیرا وقتی این روایات را ملاحظه می‌کنیم، مشاهده می‌کنیم که کشف صحت احادیث، منحصر در عرضه به قرآن نیست، بلکه بر مبنای این روایات، احادیث را باید به قرآن عرضه کرد و اگر مورد تأیید نبود، باید به سنت عرضه شود.

صاحب پایان‌نامه برتر حوزوی ادامه داد: بر این اساس، عرضه به سنت در کنار عرضه به قرآن وجود دارد و اگر سنت تمام آموزه‌های خود را از قرآن گرفته باشد، دیگر عرضه به قرآن کافیه است و عرضه به سنت معنا ندارد و به این ترتیب روشن می‌شود که تأکید بر عرضه روایات به سنت برای کشف صحت آنها، نشان‌گر استقلال سنت در حجیت و معارف است و همچنین روایات زیادی وجود دارد که از آنها فهمیده می‌شود که سنت در کنار قرآن به عنوان يك مرجع دینی وجود دارد.

وی با اشاره به روایتی از امام صادق(ع) اظهار کرد: امام جعفر صادق(ع) می‌فرمایند: «#171؛ مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَفِيهِ كِتَابٌ أَوْ سُنَّةٌ؛

چیزی نیست جز آن که درباره‌اش آیه قرآن یا حدیثی وارد شده است؛ اگر آیه قرآن و آموزه‌های قرآن کافی بود، دیگر معنا نداشت که معصوم(ع) سنت را در کنار قرآن بیان کند، بنابراین معلوم می‌شود که سنت هم در عرض قرآن، برای خود مرجعیت و آموزه‌های مستقل دارد و اگر چنین استقلالی نبود، این توصیه‌ها صورت نمی‌گرفت.

این پژوهشگر ادامه داد: از دیدگاه این گروه، این که بزرگانی به برای اثبات جامعیت قرآن به آیات شریفه «...وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ...؛ این کتاب را که روشنگر هر چیزی است، بر تو نازل کردیم»(نحل/89) و «...مَا فُرِطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ...؛ هیچ چیزی را در کتاب [لوح محفوظ] فروگذار نکرده‌ایم»(انعام/38) استناد کرده‌اند، می‌توان در مخالفت با آنان چنین پاسخ داد که قرآن جامعیت دارد، اما در کنار رسول‌الله(ص)، زیرا قرآن امر به اطاعت از او کرده است.

وی افزود: پس جامعیت قرآن به این معناست که قرآن جامع است و سنت رسول‌الله(ص) یکی از بخش‌های جامعیت آن محسوب می‌شود که توصیه به «... وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا...»(حشر/7) و «...وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ»(نساء/64) از این باب است و جامعیت قرآن باید در کنار سنت که بخشی از توصیه‌های قرآن مربوط به آن است، فهمیده شود و عدم وجود کاستی در قرآن نیز در همراهی با سنت فهمیده می‌شود.